



بر قلمرو خانواده و شکل‌گیری «فرزندسالاری»

است.

به‌گونه‌ای که درحال حاضر نه تنها نوجوانان و جوانان، بلکه کودکان نیز در تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌دهی به مسیر زندگی نقش بسزایی دارند. برخی معتقدند این پدیده می‌تواند پیامدهایی همچون کم‌رنگ شدن نقش والدین در خانواده را به همراه داشته باشد که مشکلات و آسیب‌هایی را برای فرزندان رقم می‌زند.

■ **فرزندسالاری؛ معضل اجتماعی مسری**



مهری رحمانی؛ نویسنده و پژوهشگر حوزه روان‌شناسی در ایران به ما می‌گوید: فرزندسالاری در کشور ما ریشه در عوامل مختلفی دارد که مهم‌ترین آن‌ها حمایت نکردن دولت و نظام آموزشی از کودکان و انداختن این بار بر دوش خانواده‌هاست. همچنین شکاف طبقاتی عمیق و رشد مدارس غیرانتفاعی را می‌توان از دیگر عواملی دانست که موجب مطالبه‌گری فرزندان از خانواده و شکل‌گیری پدیده فرزندسالاری شده است.

نویسنده کتاب «سالارهای غمگین» بر اساس تحقیقات خود در اوایل دهه ۸۰ در این خصوص می‌گوید: فرزندسالاری بیشتر در خانواده‌های متوسط به بالای جامعه مشاهده می‌شد؛ اما امروز پس از گذشت دو دهه، این موضوع به صورت معضلی اجتماعی به تمامی خانواده‌ها سرایت کرده است و با گسترش مدارس غیرانتفاعی، فرزندان خانواده‌های ضعیف و کم‌درآمد نیز حقوقی برابر با فرزندان قشر متوسط و مرفه جامعه از والدین خود مطالبه می‌کنند. به‌گونه‌ای که حتی فرزندان خانواده‌های طبقه پایین جامعه نیز با مطالبه‌گری از والدین خود، طبقه اقتصادی و درآمد اندک آن‌ها را زیرسؤال می‌برند و با بیان اینکه وقتی پول نداشتید چرا بچه‌دار شدید؛ به نوعی آن‌ها را محاکمه می‌کنند.

این دبیر بازنشسته آموزش وپرورش ادامه می‌دهد: در خانواده‌های متوسط و ضعیف، یا والدین به تعیین شروطی مانند پذیرفته شدن در رشته‌های پزشکی، آلمان‌های خود را در زندگی فرزندان نشان دنبال می‌کنند و یا شهری به نام‌نویسی آن‌ها را در مدارس غیرانتفاعی با منت فراوان و به سختی تأمین می‌کنند، ازاین‌رو، فرزندان این والدین با آنکه سالارهای خانه محسوب می‌شوند، از وضعیت موجود راضی ندارند و غمگین هستند؛ درحالی‌که اگر عدالت آموزشی در کشور برقرار بود و کودکان و نوجوانان از سوی دولت مورد حمایت اقتصادی قرار می‌گرفتند، وضعیت این‌گونه نبود.

وی با بیان اینکه والدین بخش کوچکی از نظام تربیتی جامعه محسوب می‌شوند و مسئولیت رسمی تربیت و آموزش کودکان و نوجوانان برعهده آموزش وپرورش و وزارت علوم است، می‌افزاید: «۳۰ سال گذشته نظام آموزشی ما سیستم تربیتی کارآمدی برای پرورش کودکان و نوجوانانی با شخصیت بالغ نداشته و بیشترین آسیب را به جامعه زده است.

به گفته این پژوهشگر؛ آموزش وپرورش علاوه بر اینکه توانسته نظام آموزشی و تربیتی خود را متناسب با گسترش فضای مجازی، برای کودکان و نوجوانان نسل جدید یا نسل «Z» - که ویژگی بارز آن‌ها فردیت‌گرایی و مطالبه‌گری است - به‌روز کند، با گسترش مدارس غیردولتی و مدیریت غلط و سهل‌گیر این مدارس، بر فردیت‌گرایی این نسل دامن‌زده‌است. درنتیجه نه تنها جامعه ما در برزخ کم‌رنگ شدن نقش والدین به‌ویژه نقش پدرها در خانواده قرار گرفته، بلکه در بسیاری از این مدارس، دانش‌آموزان به‌ویژه دانش‌آموزان قشر مرفه، احترامی برای معلمان قائل نیستند و با درنظر گرفتن فردیت خود در کلاس درس حکمرانی می‌کنند.

■ **سبک خانواده سنتی سالم**

رحمانی با اشاره به گسترش این پدیده ناپهنجار در خانواده‌های ایرانی، اضافه می‌کند: با این حال هنوز در جامعه ما والدین تحصیلات‌ده‌ای هستند که با کسب مهارت‌های علمی فرزندپروری و به‌کارگیری شیوه‌های تربیتی صحیح، فرزندانی با شخصیت سالم پرورش می‌دهند.

وی ادامه می‌دهد: ساختار خانواده سنتی سالم نیزیکی دیگر از ساختارهای کارآمد و موفق است که بیشتر در قشر متوسط جامعه مشاهده می‌شود و ویژگی بارز این مدل خانوادگی، بلوغ شخصیتی والدین است. در خانواده سنتی سالم با آنکه والدین تحصیلات چندانی ندارند، ارتباط بسیار خوبی با فرزندان‌شان دارند. از این‌رو با مهربانی، فرزندان را از وضعیت اقتصادی خانواده‌گاه می‌کنند و همواره می‌کوشند درحد بضاعتشان، بدون منت یا ایجاد محدودیت‌های غیرمنطقی و یا تحمیل خواسته‌های خود به آن‌ها، نیازهای فرزندان را تأمین کنند. به همین

اعظم طیرانی | به باور

کارشناسان، در جوامع امروزی بنیان خانواده دست‌خوش تغییرات متعددی شده که یکی از این تغییرات، حکمرانی فرزندان بر قلمرو خانواده و شکل‌گیری «فرزندسالاری»



دلیل بیشتر فرزندانی که در این خانواده‌ها پرورش می‌یابند، تحصیلکرده، توانمند و مسئولیت‌پذیرند که در خانواده کمک حال والدین و در جامعه سازنده و تأثیرگذار هستند.

■ **ریشه‌های تاریخی فرزندسالاری در ایران**

اما علیرضا عابدین؛ جامعه‌شناس و دکترای روان‌شناسی بالینی در خصوص ریشه‌های شکل‌گیری پدیده فرزندسالاری به ما می‌گوید: فرزندسالاری و موارد مشابه آن همچون دانشجویسالاری و مشتری سالاری پدیده‌ای رو به رشد در جامعه ایران است که با گسترش مطالبه‌گری و توازن قدرت شکل گرفته و تغییراتی را در جامعه به‌وجود آورده است. این جامعه‌شناس با اشاره به اینکه بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب ۵۷ برای مردم ایران استقلال بود، ادامه می‌دهد: چند دهه طول کشید تا توده مردم در اقشار مختلف، آزادی بیشتری را مطالبه کنند و این مطالبه‌گری از قشر کارگر و کشاورز جامعه آغاز شد و به قشر زنان و حتی کودکان نیز گسترش یافت و موجب شد افرادی که پیش از انقلاب ۵۷ از قدرت کمتری برخوردار بودند به سازگاری بسنده نکنند و به دنبال بدست آوردن آزادی‌های بیشتری برای افزایش رضایتمندی از زندگی باشند. پدیده فرزندسالاری نیز در طول چندین سال شکل گرفته و ریشه‌های شکل‌گیری آن در تاریخ معاصر ایران، به انقلاب مشروطه برمی‌گردد. بنا براین پدیده حاضر یک رخداد نیست که بگویم طی یکی دو دهه اخیر در خانواده‌ها و یا موارد مشابه آن در جامعه شکل گرفته و بخواهیم عوامل شکل‌گیری آن را در همین دوره محدود جست‌وجو کنیم، بلکه فرایندی از تحول و رشد است که بر اثر انتقال دستاوردها، آموخته‌ها و تجربه‌های نسل‌های پیشین به نسل‌های بعد شکل گرفته است.

این روان‌شناس می‌افزاید: با توجه به اینکه فرزندسالاری و نمونه‌های مشابه آن در جامعه ریشه در مطالبه‌گری و مطالبه‌گری ریشه در استقلال دارد، فرایندی از رشد محسوب می‌شود که پدیده و یا رویه بدی نیست؛ اما از آنجا که برخی والدین مدیریت صحیح امور خانواده را بلد نیستند، یعنی همه چیز را صفر یا ۱۰۰ می‌بینند و روابط خانوادگی، بر مبنای ترس‌محوری پایه‌گذاری کرده‌اند، نگران از دست دادن کنترل فرزندان و قدرت خود هستند. درحالی‌که برای انتقال رشد و تمدن از یک نسل به نسلی دیگر لازم است فضایی مناسب میان والدین و فرزندان ایجاد شود تا در این فضا شخصیت و هویت فرزندان به صورت مناسب شکل گیرد و اگر این رابطه هیجانی و عاطفی بین والدین و فرزندان نباشد و تعامل میان آن‌ها برقرار نشود، کنترل‌گری خودخواهانه والدین منجر به بروز خشونت در خانواده خواهد شد. این نوع فرزندپروری به اصطلاح فرزندپروری استبدادی محسوب می‌شود که در آن از قدرت والدین به صورت کارآمد و مناسب استفاده نمی‌شود و به مرور فرزندان خانواده‌هایی با این ساختار معیوب می‌آموزند چگونه با عصیان‌گری برای کاهشی قدرت‌طلبی و کنترل‌گری والدین با آن‌ها مخالفت کنند و در نهایت، انرژی والدین و فرزندان صرف نگاه‌داشتن و از بین‌بردن قدرت و یا فرار از خانه می‌شود. ازاین‌رو، در این شیوه فرزندپروری فرصت مناسبی برای رشد شخصیت فرزندان فراهم نیست.

■ **نوع معیوب فرزندسالاری مانع رشد فرزندان می‌شود**

عابدین ادامه می‌دهد: در برخی مواقع والدینی که در خانواده‌های سختگیر پرورش یافته‌اند، به دلیل عقده‌های حقارت حل نشده و محرومیت‌هایی که در زندگی فردی خود تجربه کرده‌اند، ناخودآگاه ساختار خانواده را به سمت نوع معیوب فرزندسالاری هدایت

کارشناسان از چرایی شکل‌گیری «فرزندسالاری» و چگونگی بر خورد با آن می‌گویند

سالارهای کوچک؛ دغدغه‌های بزرگ



اعضای خانواده محترم شمرده می‌شود، سکان مدیریت خانواده دست والدین است.

■ **پیامدهای منفی توجه افراطی به فرزندان**

مهری رحمانی؛ دکترای روان‌شناسی بالینی نیز در خصوص نقش والدین در شکل‌گیری پدیده فرزندسالاری به ما می‌گوید: کودکان و نوجوانان نسل امروز یا نسل «زد»، ساکنان فضای مجازی هستند که به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی تفاوت‌های بارزی با کودکان و نوجوانان نسل‌های قبل یعنی والدین خود دارند. بیشتر والدین این کودکان نیز متولدان دهه‌های ۵۰، ۶۰ و یا ۷۰ هستند که در خانواده‌هایی پدرسالار یا پرجمعیت پرورش یافته و سخت‌ها و محدودیت‌های متعددی را تجربه کرده‌اند، از این‌رو، برخی از این والدین می‌کوشند سخت‌گیری‌های مشابه آنچه تجربه کرده‌اند را از مدل فرزندپروری خود حذف کنند و همواره سعی در برآورده کردن تمام نیازها و خواسته‌های فرزند خود دارند و در واقع شیوه تربیتی سهل‌گیرانه را برای پرورش فرزندان در پیش می‌گیرند، غافل از اینکه در این مدل تربیتی، با توجه افراطی به فرزندان و قدرت دادن به‌آن‌ها، از میزان اقتدار والدین کاسته می‌شود و فرزندسالاری در خانواده شکل می‌گیرد و زمانی که فرزندان به سن بلوغ می‌رسند والدین از این وضعیت اظهار نارضایتی می‌کنند.

وی در خصوص پیامدهای منفی و مثبت فرزندسالاری اظهار می‌کند: هنگامی که فرزندان نقش «سالار» را در خانواده ایفا می‌کنند، تصمیم‌گیری‌های زندگی بر پایه احساسات می‌چرخد و در آن خانواده نمی‌توان به دنبال عقل و منطق بود. ضمن آنکه این سبک تربیتی آسیب‌هایی همچون کم‌توجهی به حفظ حرمت بزرگ‌ترها، فردیت‌گرایی، بی‌مسئولیتی و اهمال‌کاری را به همراه دارد که این ویژگی‌ها مانع شکل‌گیری شخصیت سالم در فرزندان خواهد شد.

■ **سالارهایی که توان مقابله با سختی‌های زندگی را ندارند**

این درمانگر خانواده ادامه می‌دهد: لطف بیش از حد والدین به کودکان و نوجوانان، از آن‌ها افرادی خودشیفته، پر توقع و پرخاشگر می‌سازد که توانی برای مقابله با سختی‌ها و تحمل شنیدن «نه» در زندگی را ندارند و در مواجهه با مشکلات، ناکارآمد و ناتوان خواهند بود و اگر عملی بر خلاف میلشان انجام شود، سرخورده خواهند شد.

به گفته رحمانی، در ساختار خانواده فرزندسالار به دلیل توجه بیشتر به آموزش و تأمین امکانات رفاهی فرزندان اعتمادبه‌نفس آن‌ها نسبت به کودکان و نوجوانان نسل‌های گذشته افزایش یافته است که برخی، این ویژگی را نکته مثبت فرزندسالاری می‌دانند. این متخصص روان‌شناسی با اشاره به اینکه اگر والدین به موقع متوجه این اشتباه نشوند، درآینده فرزندانی کم‌توان و پرتوقع تحویل جامعه خواهند داد، ادامه می‌دهد: این مسئله باید به شکل اصولی حل شود و با توجه به اینکه تغییر‌پذیری کودکان با افزایش سن آن‌ها دشوار می‌شود، ضرورت دارد از سن قبل از پیش‌دبستانی از شکل‌گیری این پدیده در خانواده‌ها پیشگیری شود.

رحمانی می‌افزاید: نقش رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما در آموزش شیوه‌های صحیح فرزندپروری به والدین بسیار حائز اهمیت است. ضمن آنکه ضرورت دارد آموزش وپرورش از طریق انجمن اولیاومربان یا برگزاری کارگاه‌های علمی، مهارت‌های والدگری و شیوه‌های صحیح فرزندپروری را به والدین آموزش دهد تا کودکان امروز که آینده‌سازان فردا و سرمایه‌های کشور هستند در خانواده‌هایی محبت‌سالار، کودک‌محور و آینده‌نگر پرورش یابند.

یادداشت

کاسبی مافیا با کلاغ و حلزون!

جواد صبحی، روزنامه‌نگار

شاید شما هم داستان افتادن تشت رسوایی تبلیغات ۱۰سال پیش کرم حلزون را از بام رسانه ملی یادتان باشد؛ همان محصولی که آگهی‌هایش را یک‌ریز از یک شبکه تلویزیونی بخش می‌کردند.

آخرش هم معلوم شد کرم حلزون غیرواقعی است و خبری از حلزون نیست و آنچه به این نام تولید و فروخته می‌شدنامستنداست.

همین حکایت، یعنی تبلیغات بی‌حساب و کتاب در صدا و سیما بارها و بارها برای محصولات دیگر هم تکرار شده است. اصولآبرای گردانندگان این رسانه‌توفیر چندانی نمی‌کند تبلیغات چیپس و پفک، سوسیس و کالباس و فلان نوشابه انرژی‌زا را با نشان «نشاط آور» رتی آنتی‌بیرند یا کتاب‌های مافیای کنکوری را با برندسوسک و کلاغ! کسی چه می‌داند، شاید اگر من وشما هم جای مدیران این رسانه‌عبدالوار بودیم، نمی‌توانستیم از خیر درآمدهای هنگفتی که‌بابت‌هرثانی‌ه‌اش عایدمان می‌شود، بگذریم. (همین چندسال پیش میانگین هزینه‌هرثانی‌ه تبلیغ را تنها در شبکه سه تلویزیون حدود ۶۵میلیون و ۲۳۳هزار و ۷۹۰تومان اعلام کرده‌بودند).

خلاصه اینکه تا پای پول در میان است، این چرخ باید همچنان بچرخد مگر آنکه اتفاقی پیش‌بینی نشده، آن را متوقف کند.

به خاطر دارم در میان مجموعه‌های تلویزیونی چند سال پیش، تبلیغی با مضمون اهدای عضو روی آنتن می‌رفت؛ روایت مرد جوانی که به مناسبت سالگرد اهدای عضوهمسرش جشنی ترتیب داده‌بود.

مسئولان رسانه ملی می‌گفتندبخش پرتعداد این پیام بازرگانی منجر به دلخوری مخاطبان شده و‌بااینکه این پیام آمار اهدای عضو تا ۴۰برابر افزایش داده، اما به احترام مخاطبان پخش این تبلیغ را کاهش می‌دهند. شاید این اولین و آخرین باری بود که این سازمان به خواست دیگران برای پایین کشیدن فقیله این‌گونه تبلیغات تن می‌داد؛ گو اینکه در جایی دیگر وقتی نماینده وزارت بهداشت به تبلیغات دمنوش و کالاهای لاغری در تلویزیون اعتراض می‌کرد، یا نماینده وقت قوه مجریه در شورای نظارت بر سازمان صداوسیما از تبلیغات پرتکرار قابلمه، دوش حمام، کفش و... شاکی شده‌بود؛ آب از آب تکان نخورد.

امروز هم اگر تبلیغات مدام یک ناشر کتاب‌های کمک درسی را که چند ماهی است از شبکه‌های مختلف تلویزیونی پخش می‌شود، دنبال کنید و برای محاسبه درآمد این ناشر و رسانه ملی با هفتان‌رقم‌های چندسال پیش چرتکه ببندازید، دلیل این لجبازی تاریخی را بهتر درک می‌کنید.

در این میان آنچه می‌ماند، چرایی رفتارهای کج دار و مریز و گاه منفعلانه مسئولان وزارت آموزش و پرورش با پدیده‌ای است به نام «مافیای کنکور».

برای مثال ۲۴ آذر ۱۳۹۷، جمعی از اعضای هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش به ستوه آمده از تبلیغات پرشمار کاسیان کتاب‌های کمک درسی در رسانه ملی، با ارسال نامه‌ای به رئیس این سازمان تأکید کردند: «این برنامه‌های تبلیغاتی از یک سو موجب تشویش خاطر خانواده‌ها و اضطراب شدید دانش‌آموزان شده و از سوی دیگر به‌صورت پنهان و ضمنی این پیام را القا می‌کند که منابع اصلی درسی و آموزش‌های رسمی مدرسه‌ای ناقص و ناکافی است».

علاوه بر این، چند سال پیش از آن هم وزارت آموزش و پرورش در بخشنامه‌ای تأکید کرده‌بود: «حسب تأکید مدیرکل آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش استفاده از هرگونه کتاب‌های کمک درسی با هر عنوان در تمام مدارس دولتی و غیردولتی ممنوع است».

نه آن نامه و نه آن بخشنامه، نه آن روز و نه امروز در بسیاری از مدارس جدی گرفته نشد؛ چرا که به قول بطحایی، وزیر اسبق آموزش و پرورش «سفرهای ۱۵هزار میلیارد تومانی به نام کنکور باز است و از این سفره افرادی بهره می‌برند».

ازسوی دیگر، تلاش‌های مجلس نیزبرای توقف تبلیغات مؤسسات کنکوری همچنان بدون نتیجه‌مانده است. بهمن ۹۷ بود که میرحمایت میرزاده، سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی از تهیه‌طرحی برای ممنوعیت تبلیغات مؤسسات کنکور کمک آموزشی در سازمان صداوسیما خبر داده و گفته بود: تعدادی از نمایندگان در حال تهیه‌طرحی هستند که به موجب آن، دیگر سازمان صدا و سیما حق تبلیغ مؤسسات کنکور و کمک آموزشی را ندارد.

میرزاده می‌گفت: این قابل توجهی نیست که سازمان صدا و سیما چند میلیارد تومان در یافت کند تا صرفاً مؤسسات کنکور را تبلیغ کند. در هیچ کجای دنیا دیده نمی‌شود که برای ترغیب فرزندان کشور، علم را به این شیوه تبلیغ کنند تا دانش‌آموزان به فلان دانشگاه بروند آن هم با این توجیه که باید در فلان درس کنکور استفاده کرده و یا از کتاب خاص کمک آموزشی بهره گیرند. این‌ها برای گرفتن پول است. بگذریم؛ آن‌ها دامن آن‌هایی که کرم حلزون را خریدند، چروک‌های پوستشان صاف شد یا نه؟ صداوسیما یا شرکت تولیدکننده آن کرم، پول خریدارانش را پس داد یا نه؟ اما کاش یکی هم پیدا می‌شد تا برایمان از خضی درسی در رسانه ملی و مدارس بر روح و روان فرزندان این مرز و بوم وارد می‌شود و نتیجه‌ای جز عمیق‌تر کردن شکاف طبقاتی و ریشخند به مطالبه «عدالت اجتماعی» ندارد. زخمی که عوارزش کمتر از آسیب کرم حلزون نیست.



پیگیری وزارت بهداشت برای افزایش جرایم تبلیغ دخانیات

به گزارش ایسنا بهزاد ولی‌زاده رئیس دبیرخانه ستاد کشوری کنترل دخانیات وزارت بهداشت گفت: پیشنهاد افزایش جرایم با احتساب میزان تورم از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به معاونت حقوقی ریاست جمهوری ارسال شده و پیگیر دریافت مصوبه هیئت وزیران هستیم.

بر این اساس، نرخ جریمه «تخلّفات تبلیغات در صورت تکرار برای مرتبه سوم» به بیش از ۱۰۰میلیون تومان افزایش خواهد یافت.



در حاشیه

آیا جرایم رانندگی

افزایش پیدا کرده‌است؟

سردار سید تیمور

حسینی، رئیس پلیس راهور فرجا در واکنش به اینکه آیا مبلغ جرایم رانندگی از ۲۵ فروردین افزایش پیدا کرده یا خیر، با تأکید بر اینکه پلیس به دنبال بازدارندگی است، به ایسنا گفت: تاریخ اعلام شده به عنوان یک روز پیشنهادی مطرح شده بود، نه یک روز قطعی. در حال حاضر نیز در صورت ابلاغ افزایش رقم جرایم رانندگی از سوی دولت، پلیس راهور این آمادگی را دارد که بلافاصله ابلاغیه دولت را اجرا کند، اما تاکنون این موضوع به ما ابلاغ نشده و از این رو رقم جرایم رانندگی، فعلاً همان رقم قبلی است.